

حاشیه‌ای بر «جامعه‌شناسی خودمانی»

با اجازه آقای حسن نراقی

۱- سابقه تاریخی

۲۰۲

اگر خودنمای است و گر حق پرست
بسه دامن در آویزدت بدگمان
نشاید زبان بداندیش بست
کز اینان به مردی و حیلترهی
که پروای صحبت ندارد بسی
زمردم چنان می‌گریزد که دیو
عقیفش ندانند و پرهیزگار
که فرعون اگر هست در عالم اوست
نگون‌بخت خوانندش و تیره‌روز
غنیمت شمارند و فضل خدای
خوشی را بود در قفا ناخوشی
سعادت بلندش کند پایهای
که دون‌پرورست این فرومایه دهر
حسریصت شمارند و دنیاپرست
گدا پیشه خوانندت و پخته‌خوار

کس از دست جور زبان‌ها نرست
اگر بر پری چون ملک ز آسمان
به کوشش توان دجله را پیش بست
مپندار اگر شیر و گر روبه‌هی
اگر کنج خلوت گزیند کسی
مذمت کنندش که زرق است و ریو
وگر خنده‌روی است و آمیزگار
غنی را به غیبت بکاوند پوست
و گر بینوایی بگرید به سوز
و گسر کامرانی در آید ز پای
که تا چند از این جاه و گردن‌کشی؟
و گر تنگ‌دستی تُنک مایه‌ای
بخایندش از کینه دندان به زهر
چو بینند کاری به دستت دَرست
و گر دستِ همت بصداری ز کار

اگر ناطقی، طبل پر یاوه‌ای
 تحمل‌کنان را نخوانند مرد
 و گر در سرش هول و مردانگی است
 تعنت کنندش گر اندک خوری است
 و گر نغز و پاکیزه باشد خورش
 و گبر بی تکلف زید مالدار
 زبان در نهندش به ایذا چو تیغ
 و گر کاخ و ایوان منقش کند
 به جان آید از طعنه بروی زنان
 اگر پارسایی سیاحت نکرد
 که نارفته بیرون ز آغوش زن
 جهان‌دیده را هم بدرند پوست
 گرش حظ از اقبال بودی و بهر
 غرب را نکوهش کند خرده‌بین
 و گر زن کند، گوید از دست دل
 نه از جور مردم رهد زشت روی
 گرت بر کند خشم روزی ز جای
 و گر بر دباری کنی از کسی
 سخی را به اندرز گویند بس
 و گر قانع و خویشتن دار گشت
 که همچون پدر خواهد این سفله مُرد

و گر خامشی، نقش گرماوه‌ای
 که بیچاره از بیم سر بسر نکرد
 گریزند از او کاین چه دیوانگی است؟
 که مالش مگر روزی دیگری است
 شکم بنده خوانند و تن پرورش
 که زینت بر اهل تمیزست عار
 که بدبخت زر دارد از خود دریغ
 تن خویش را کسوتی خوش کند
 که خود را بیاراست همچون زنان
 سفر کردگانش نخوانند مرد
 کدامش هنر باشد و رای و فن؟
 که سرگشته بخت برگشته اوست
 زمانه نراندی ز شهرش به شهر
 که می‌رنجد از خفت و خیزش زمین
 به گردن در افتاد چون خر به گل
 نه شاهد ز نامردم زشت‌گوی
 سراسیمه خوانندت و تیره رای
 بگویند غیرت ندارد بسی
 که فردا دو دستت بود پیش و پس
 به تشنیه خلقی گرفتار گشت
 که نعمت رها کرد و حسرت ببرد...

سعدی (بوستان، باب هفتم)

۲- در روزگار ما

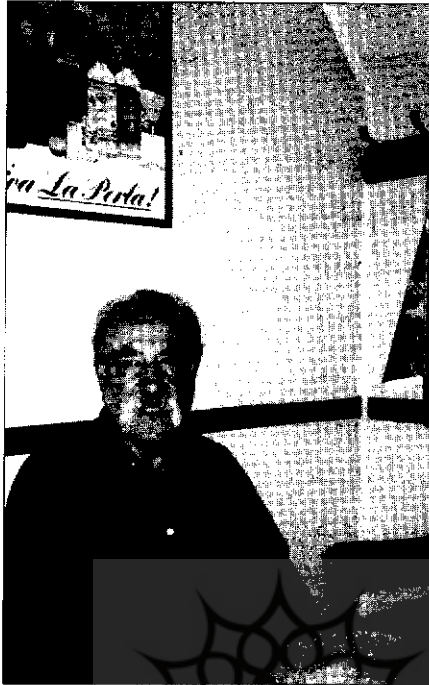
اگر کسی لاغر باشد، به او می‌گوییم: «نی قلیان، عضو باشگاه عنکبوت!»

اگر چاق باشد، می‌گوییم: «گامبو، خیکی!»

اگر کسی کوتاه قد باشد، به او می‌گوییم: «میخ طویله پای خروس!»

اگر بلند قد باشد، می‌گوییم: «دبلاق! نردبام دزدها!»

اگر کسی عجله داشته باشد، می‌گوییم: «چه خبرته، مگر داری سر می‌بری؟»



● فریدون تنکابنی (عکس از فیروز شافعی)

اگر فس فس کند، می‌گوییم: «زرده به ما تحت نکشیده، جون نداره!»
 اگر کسی دوبار پشت سر هم خمیازه بکشد، می‌گوییم: «چیه؟ شیرت دیر شده؟»
 اگر زیاد بخورد، می‌گوییم: «کاه از خودت نیست، کاه‌دان که از خودته!»
 اگر کم بخورد، می‌گوییم: «حتماً پیش از این یک جا ته بندی کرده!»
 اگر صاحبخانه باشد، می‌گوییم: «مال خودش از گلوی خودش پایین نمی‌رود!»
 اگر کسی دست‌هایش را به پشتش بزند، می‌گوییم: «کارد و چنگال را گذاشته روی میز!»
 اگر کسی سرش را به دستش تکیه بدهد، می‌گوییم: «دنیا سر خر داده دستش!»
 اگر کسی زیاد لباس بپوشد، می‌گوییم: «خر تب می‌کند!»
 اگر کسی کم بپوشد، می‌گوییم: «دوست داری سگ لرز بزنی؟»
 اگر دختری سبزه‌رو، پیراهن سرخ بپوشد، می‌گوییم: «سیا گر سرخ پوشد خر بخندد!»
 اگر زنی پا به سن گذاشته، رنگ‌های روشن و شاد بپوشد، می‌گوییم: «نگاش کن! خیال می‌کند دختر چهارده ساله است!»
 اگر دختر یا پسر جوانی بگوبخند و شاد و پرتحرک باشد، می‌گوییم: «میمون هر چی زشت‌تره، بازیش بیشتره!»
 اگر جدی و موثر و ساکت باشد، می‌گوییم: «این دیگه کیه؟ با ده من عسل هم نمیشه قورتش داد!»

اگر کسی استحمامش به درازا بکشد، می‌گوییم: «رفته بودی حمام زایمان؟»

اگر سریع حمام کند، می‌گوییم: «خودش را گریه شور کرده!»

اگر کسی لباس نو بپوشد، می‌گوییم: «خر همان خراست. پالانش عوض شده!»

اگر کسی عطسه کند، می‌گوییم: «خرس ترکید!»

اگر کسی بلند حرف بزند، می‌گوییم: «بلندگو قورت داده! پرده گوشم پاره شد!»

اگر یواش حرف بزند، می‌گوییم: «صداش از ته چاه در می‌آید!»

اگر کسی حرف‌افش باشد، می‌گوییم: «زرده به چانه‌ش بسته!» یا: «انگار کله گنجشک خورده!»

اگر کم حرف باشد، می‌گوییم: «مگر ماست به دهن گرفته‌ای؟!»

اگر کسی مجرد باشد، می‌گوییم: «آقا تا کی می‌خواهی یالقوز باشی؟ دستی بالا بزن!»

همین که زن گرفت، می‌گوییم: «فلانی هم رفت جزو مرغ‌ها! طوق لعنت را به گردن انداخت! خودش را بدبخت کرد!»

اگر دختر کم سن و سالی شوهر کند، می‌گوییم: «وقت عروسک بازی‌ش بود. چه وقت شوهر داریه؟!»

اگر نخواهد زود شوهر کند، می‌گوییم: «مانند خانه باباش، ترشید!»

اگر زن و شوهر جوانی زود بچه‌دار شوند، می‌گوییم: «آتش‌شان خیلی تند بود، خودشان را به درد سر انداختند!»

اگر کسی که سن و سالش کمی بالاست، بچه‌دار شود، می‌گوییم: «زنگوله پای تابوت درست کرده!»

اگر کسی جنس ارزان و نامرغوب بخرد، می‌گوییم: «لُر نره بازار، بازار می‌گنده!»

اگر جنس خوب و گران بخرد، می‌گوییم: «دنبه زیادی را می‌مالند به فلان جا!»

اگر کسی گله کند که چرا چنان حرف نا به جایی به من زدی، به جای دلجویی، می‌گوییم: «حالا چی شده؟ مگه به اسب شاه گفته‌ام یا بو؟»

اگر مرد یا زنی متین و موقر باشد، می‌گوییم: «خودش را گرفته! انگار از دماغ فیل افتاده! خیال می‌کنه نوه او تورخان رشتیه!»

اگر بی‌تکبر و خودمانی و خوشرو باشد، می‌گوییم: «سبکه! جلفه! داره بازار گرمی می‌کنه!»

اگر کسی به کسی بگوید آقا، دوستش به او می‌گوید: «این قدر بی‌آقایی کشیده‌ای که به این می‌گویی آقا؟!»

به جای «مثل سیبی که از وسط نصف کرده باشند» برخی می‌گویند: «مثل سنده‌ای که از وسط نصف کرده باشند!»

چند تن دارند درباره یکی سخن می‌گویند که او از راه می‌رسد. اگر بی‌رو دروایی باشند، می‌گویند: «چو نام سگ بزی، چویی به دست آرا»
 و اگر رودروایی داشته باشند، می‌گویند: «چو نام شه بزی قالیچه اندازا» که البته منظورشان همان اولی است.
 اگر کسی خواهش ما را بر نیارود و کاری را که خواسته‌ایم، نکند، می‌گوییم: «به گربه گفتند گهت درمان است، یک مشت خاک ریخت روش!» (البته طنزنویسی گفته: به گربه گفتند گهت درمان است، کتور گذاشت آنجاش!).



نشر قطره

نشر قطره منتشر کرده است

فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن) دکتر چنگیز پهلوان
فرهنگ‌ها و اصطلاحات متداول در زبان فارسی دکتر عظیمی
چهره‌هایی از پدرم ثمین باغچه‌بان
فلسفه بلاغت آ. ا. ریچاردز، دکتر علی محمدی آسیابادی
جام جهان‌بین محمدعلی اسلامی ندوشن
جهان در آستانه قرن بیستم و یکم اریک جی. هابسبام، ناهید فروغان
حافظه ماست بهاء‌الدین خرمشاهی
هویت میلان کوندرا، دکتر پرویز همایون‌پور
حکایت دولت و فرزادگی مارک فیشر، گیتی خوشدل
هفت قانون معنوی موفقیت دکتر دیپاک چوپرا، گیتی خوشدل
راوی بهاران (زندگی و مبارزات کرامت‌الله دانشیان) انوش صالحی
دفتر فروش: خیابان انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۹ تلفن: ۶۴۶۶۳۹۴ - ۶۴۶۰۵۹۷